

تعدیل در نسب نامه آل کرت*

(سهوهای لین پول در دول اسلامی،

و آقای عباس اقبال در تاریخ مفصل ایران)

آل کرت از مشاهیر سلاطین علمدوست و ملوک آسیای میانه اند، که از اواسط قرن هفتم هجری بر اکثر حصص خراسان دست یافتند، و این مملکت را از آموییه تا شط سند وحدت سیاسی دادند.

مرکز حکمداری این دودمان هرات بود، و در دوران تاختهای وحشیانه مغل وسیله رفاه و راحت مملکت جفا دیده خراسان گردیدند. علماء و ادباء را پروریدند و دربار هرات مجمع شعراء و فضلاء وقت گردید بسی از مؤلفات نویسندگان و علمای معروف بنام شاهان این دودمان اهداء شد.

کرت نامه ربیعی پوشنگی و مطول علامه سعدالدین تفتازانی و تاریخنامه هرات و سامنامه و مجموعه غیاثی سیفی هروی و زادالمسافرین و نزهة الارواح امیر حسینی غوری از مشهورترین مؤلفات این عصر است، که در هرات نوشته شد، و بحضور ملک آل کرت تقدیم کردند.

قراریکه مؤرخان مینوسند: دو نفر از پرورندگان این خاندان در دربار سلطان غیاث الدین محمد سام غوری (۵۵۸ - ۵۹۹هـ) مراتب بلندی داشتند، که یکی تاج الدین عثمان مرغنی، و دیگر هم برادرش عزالدین عمر مرغنی از

* مجله آریانا، سال ششم (۱۳۲۷ش)، شماره هشتم، ص ۱.

بنی اعمام سلطان غور است و عزالدین سمت وزارت آن سلطان را داشت^(۱).
در حقیقت پرورندگان نخستین این دودمان همین دو نفر برادران
معروفند که بعد از آن ملوک دیگر ازین دودمان بر هرات و خراسان سلطنت
رانده اند، ولی مؤرخان را درباره آنها اختلافاتی است، که من اندرین مقالت
تاجائیکه میسر است، اختلافات مؤرخان را مینویسم و به تصحیح اقوال
مختلف میکوشم:

۱ عزالدین عمر مرغنی و تاج الدین عثمان مرغنی:

کلمه مرغنی را مؤرخان قدیم بهمین صورت ضبط کرده اند، قاضی
منهاج سراج در طبقات ناصری و سیفی هروی در تاریخ هرات (مرغنی) می
نویسند^(۲).

ولی مؤرخ کنونی ایران آقای عباس اقبال (مرغینی) بزیادت (ی) آورده
که با ضبط های قدیم کلمه اختلاف دارد، و من ندانستم که علت تبدیل
(مرغنی) به (مرغینی) چیست؟

اگر منسوب باشد به مرغینان که شهری بود در ماوراء النهر از توابع
فرغانه^(۳) پس این نسبت نیز از روی شواهد تاریخی یقینی نیست.

به عقیده من ضبط کلمه قراریکه در متون قدیم آمده، همان (مرغنی)
بصحت اقریست، زیرا شیخ عبدالله فامی مؤلف تاریخ مفقود هرات در مدح
ملک عزالدین قصیده دارد که سیفی هفت بیت آنرا نقل میکند و مطلع آن
چنین است:

^(۱) تاریخ مفصل ایران: ج ۱، ص ۳۶۷.

^(۲) تاریخ مفصل ایران: ص ۳۶۷.

^(۳) مراصد الاطلاع.

ایام شد مساعد و امید شد غنی

در عهد عزالدین عمر آناه مرغنی

ازین بیت پدید می آید که در عهد خود عزالدین هم او را مرغنی میگفتند نه مرغینی. زیرا زیادت یک (ی) قصیده را از بحر عروضی و قافیه خود میکشد و از قوافی ابیات دیگر هم همین مقصد بخوبی آشکار میشود، زیرا (روشنی، دنی، توسنی و غیره) را نمیتوان با مرغنی قافیه ساخت. بقیه ابیات:

فرخنده خسرویکه زکحل سخای او
دارد همیشه دیده حاجات روشنی
خورشید با ترفع و گردون با علو
باجاه و محقر و با قدر او دنی
در عهد او قضا نکند عزم پردلی
و از بیم او فلک نکند رای توسنی
از هفت چرخ همتش ارچند برتر است
هستش صفت تواضع و حلم و فروتنی
در پیش تخت شاه مرا ورا رسد بحق
تعیین پهلوانی و نام تهمتتی
بی شبهه روز سخا و گنه مصاف
او راست بزم خاتمی و رزم بیژنی

سیفی می نویسد:

از ثقات هرات چنین شنودم، که عزالدین عمر مرغنی در عهد سلطان مغفور سعید غیاث الحق والدین در خراسان هر مقامی را یکی از فرزندان و برادران خود مفوض گردانید، خطه هرات را بحکم سلطان بجهت خود تعیین

فرمود، و غرجستان را به حسام الدین علی عمر مرغنی داد، قلعه محروسه خیار را ... بملک مرحوم تاج الدین عمر^(۴) مرغنی ارزانی داشت و گفت ای برادر ...^(۵)

این دو برادران را هم سیفی هروی نبیره ملک مغفور سعید کرت میشمارد و گوید: "ملک کرت در ایام سلاطین بلشکر کشی و قلعه کشائی و عد و بندی مشهور و موصوف بود ..."^(۶)

پیش از سیفی یکی از مؤرخان معروف خراسان قاضی منهاج سراج جوزجانی که معاصر و معاشر فرزندان این دو برادر است نیز ذکری از امیر عثمان دارد و گوید که در عهد سلطان بهاء الدین بن غیاث الدین محمود سام امیر عثمان مرغنی سر جاندار بود^(۷). راجع باین دو برادر غیر از اشارات کوتاه و مجمل مؤرخان چیز دیگری بدست نیاید، و آنچه منهاج سراج و سیفی نوشته اند نیز جز جملاتی بیش نیست.

۲/ ملک رکن الدین خیसार:

پسر تاج الدین عثمان مرغنی است که کوتوال قلعت خیसार غور بود، گویند این ملک با دختر غیاث الدین محمود ازدواج کرده بود.

ملک رکن الدین را از روی نوشته های منهاج سراج خوبتر میشناسیم، زیرا مؤرخ موصوف قبل از سفر هند با ملک رکن الدین محشور بود، و

^(۴) کذا- ولی باید عثمان صحیح تر باشد.

^(۵) تاریخنامه هرات، ص ۱۴۴.

^(۶) تاریخنامه هرات.

^(۷) طبقات ناصری: ص ۲۱۲ نسخه قلمی همچنان منهاج سراج در طبقه ۱۴ ذکر ملوک سیستان گوید که عایشه خاتون دختر ملک خراسان عمر مرغنی در حبات ناصرالدین عثمان حرب ملک سیستان (۶۱۲هـ) بود.

طوریکه خودش مینویسد بارها از طرف وی بسفارت پیش ملوک دیگر فرستاده شده و از رجال دربار وی بوده است.

نخستین سفارت منهاج سراج در سال ۶۲۲هـ از طرف ملک رکن الدین بطرف قهستان است. که دران باره گوید: "در شهور سنه اثنی و عشرین و ستمائه کاتب این طبقات منهاج سراج را اتفاق سفری افتاد باسم رسالت از غور باشارت ملک سعید رکن الدین محمد عثمان طاب ثراه بطرف قهستان برای اصلاح راه کاروانها و امن بلاد..."^(۸).

بعد ازین رسالت کرت دوم به قهستان رفت وگوید:

"بعد از چند گاه از تولک اتفاق خدمت ملک رکن الدین محمد عثمان مرغنی طاب ثراه در سال سنه اثنی و عشرین و ستمائه افتاد به خایسار غور باشارت این ملک سعید کرت دوم بقهستان بوجه رسالت اتفاق افتاد..."^(۹).

خلاصه: منهاج سراج در موارد متعدد طبقات ناصری ذکری از امیر عثمان مرغنی فرزندش ملک رکن الدین خایسار دارد، که منهاج سراج حضور خود ملک رکن الدین را دریافته بود، ولی در حین تحریر طبقات ملک رکن الدین از جهان گذشته بود. چه بقرار تصریح سیفی وفات رکن الدین (۶۴۳هـ) است، و طبقات ناصری را منهاج سراج از (۶۵۵هـ تا ۶۵۸) نوشته است و ازین رو همواره با نام این ملک مخدوم (طاب ثراه) مینویسد.

درباره نسب این دو برادر مرغنی جز از اشارات مختصر و مجهول سیفی که از نیبره کرت بودند، چیزی در دست نیست. اما آنچه لین پول و خلیل ادهم رکن الدین را کنیت (ابوبکر) داده و او را در سلسله نسب بمنزلت پدر

^(۸) طبقات ناصری ص ۳۴۸ قلمی.

^(۹) طبقات ص ۳۸۴.

شمس الدین قرار داده اند^(۱۰) ظاهراً غلط است. زیرا رکن الدین کنیت ابوبکر را نداشته و نه پدر شمس الدین محمد است.

در نسخه مطبوع تاریخنامه هرات نیز همین غلطی موجود است^(۱۱)، ولی چون سیفی در موارد دیگر کتاب صراحتاً رکن الدین را خال شمس الدین شمرده است، بنابراین این خلط و زیغ را به کاتبان نسخ منسوب باید داشت. و بایستی از طرف طابعان و چاپ کنندگان تصحیح میشد.

اما آنچه آقای عباس اقبال شمس الدین را دخترزاده یعنی نواسه ملک رکن الدین شمرده^(۱۲) که نیز سهویست. که برخلاف تصریح سیفی است، چه خال برادر مادر است^(۱۳) که بزبان کنونی (ماما) گوئیم. و این نکته نیز در تاریخ عباس اقبال قابل تصحیح و تعدیل خواهد بود.

۳/ شمس الدین محمد مهین:

ملک رکن الدین خیسار باتفاق مؤرخان خواهرزاده اش ملک شمس الدین محمد مهین را جانشین خویش ساخت. وفات ملک رکن الدین و جلوس شمس الدین محمد بسال (۶۴۳هـ) است سیفی گوید: "و ملک رکن الدین از فرزندان و نیرگان خود ملک مغفور شمس الدین کرت را برگزید..."^(۱۴)

درجای دیگر ملک رکن الدین را خال ملک شمس الدین مهین می

^(۱۰) دول اسلامیہ طبع استانبول ص ۴۰۳.

^(۱۱) تاریخ هرات: ص ۱۴۱، طبع کلکته.

^(۱۲) تاریخ مفصل ایران: ص ۳۶۷.

^(۱۳) المنجد.

^(۱۴) تاریخ هرات: ۱۴۵.

شمارد^(۱۵). و ازین بر می آید که ملک شمس الدین نخستین فرد دودمان کرت است، و سرسلسله این خاندان بشمار می آید، چه ملوک دیگر آل کرت از نسب اویند. وی از سال (۶۴۳ تا ۶۷۶هـ) از کنار آمویه تا سواحل دریای سند بر خراسان حکم راند و ملوک طوایف را از غرسجستان و غور و سیستان و قندهار و کابل و تمام افغانستان تا بکر و کنار دریای سند برداشت، و بسال ۶۷۶هـ در تبریز از جهان درگذشت سیفی تمام جنگهای او را در افغانستان شرح میدهد.

مؤرخان سابق و معاصر شمس الدین را پسر ابوبکر کرت شمرده اند^(۱۶) و سیفی نیز او را شمس الدین محمد بن ابی بکی گرفت می‌شمارد^(۱۷) و بدینصورت گویا ابی بکر کنیت و کرت نام یا لقب پدر شمس الدین است. قراریکه پیشتر گذشت سیفی دو برادر بزرگوار مرغنی را نیز از نبره گان ملک کرت می شمارد و اگر این گفته سیفی مدار اعتبار تاریخی قرار داده شود و خبر واحد نباشد پس گویا ملک شمس الدین کرت و ... های او (تاج الدین و عزالدین) از طرف پدر نیز بیک دودمان می پیوسته اند. ولی باید مورث اعلای آل کرت را همین ابوبکر شماریم، که پدر شمس الدین مهین است زیرا تاج الدین و عزالدین اخوین مرغنی که معاصران پدر شمس الدین باشند، نمیتوان نبرگان وی قرار گیرند.

اینک بایستی این مشکل را بقرار ذیل حل کرد:

محمد شمس الدین مهین = معاصر و جانشین ملک رکن الدین حدود ۶۴۰هـ ابوبکر کرت پدر شمس الدین = معاصر اخوین مرغنی حدود ۶۰۰هـ .

^(۱۵) تاریخ هرات: ص ۱۵۶.

^(۱۶) تاریخ مفصل ایران ص ۳۶۷ - ۳۶۸.

^(۱۷) تاریخ هرات: ص ۱۴۰ - ۱۴۱ و غیره.

یک کرت مجهول دیگر =
یک کرت مجهول دیگر = جد یا جد مشترک اخوین و آل کرت، بعد از ۵۰۰هـ که همین جد باید نیبرگانی را مانند اخوین مرغنی در حدود (۶۰۰هـ) بدینا داده باشد زیرا مؤرخان یک قرن را برای سه نسل بحساب می آرند.

چون اکنون غیر از اشارات مجمل منهاج سراج و سیفی سند دیگری در دست ندارم که نام پدران اخوین ازان بدست آید بنابراین بر همین قدر تفصیل اکتفا رفت.

۴/ شمس الدین کهین:

بعد از وفات شمس لادین محمد مهین کرت در سال ۶۷۷هـ پسرش محمد رکن الدین (مشهور به شمس الدین کهین) بجای پدر نشست، و به آبدانی هرات و خراسان کوشید، و مراسم دادگستری و عدل را نیک احیاء کرد، و بسال ۶۸۰هـ قلعت قندهار را مسخر گردانید^(۱۸)، ملک شمس الدین کهین پسر خود ملک علاء الدین را بحکمرانی هرات گماشت (۶۸۲هـ) و خود وی در قلعت خیسه غور نشست، تا که بسال ۷۰۵هـ درانجا مرد. اما پسر بزرگتر وی ملک فخرالدین که در حیات پدرش مدتها محبوس بود بسال ۶۸۳هـ از محبس برآمد و از خیسه بهرات شد و از انجا اطراف دیگر مملکت و بعد از فوت پدر بر اریکه جهانبانی نشست (۷۰۵هـ)^(۱۹).

ملک فخرالدین شاه دانشمند و نکته سنج و فاضلی بود، که دربار وی در هرات مجمع شعراء بود و صدرالدین خطیب پوشنجی متخلص به ربیعی

^(۱۸) تاریخ هرات: ص ۳۶۷ - ۳۷۰.

^(۱۹) تاریخ هرات: ص ۴۵۷.

کتاب کرت نامه را در تاریخ آل کرت در عصر این پادشاه به تقلید فردوسی پرداخت. خود ملک فخرالدین نیز شعر میگفت، و بشر سبز (بنگ) باسبز خطان می پرداخت خودش گوید:

هر گه که من از سبز طربناک شوم
شایسته سبز خنک افلاک شوم
با سبز خطان سبز خورم بر سبزه
زان پیش که همچو سبزه در خاک شوم
ملک فخرالدین بسال ۷۰۶ هـ از جهان رفت.

۵/ ملک غیاث الدین محمد:

ملک فخرالدین دو برادر داشت، یکی غیاث الدین محمد و دیگری همان علاء الدین سابق الذکر.

که غیاث الدین بعد از فوت برادر بهمان سال در هرات بتخت شاهی نشست. آقای عباس اقبال مؤرخ معاصر ایران غیاث الدین را فرزند ملک فخرالدین شمرده است^(۲۰)، و نمیدانم درین انتساب چه سندی بدست داشته است؟

از روی تصریحات سیفی چنین پدید می آید که غیاث الدین محمد برادر فخرالدین و فرزند همان شمس الدین کهین است. چون سیفی مؤرخ دربار این ملک است وهم باوی محشور بود و کتاب تاریخنامه هرات را هم بنام وی نوشت بنابراین اقوال سیفی درین مورد قابل اعتماد و از قبیل مشاهدات مثبت است که اینکه به پاره ازان اشارت میرود:

^(۲۰) تاریخ ایران: ج ۱، ص ۳۷۷ - ۳۷۹.

از قول ملک فخرالدین: "اینک برادران اعزان من غیاث الدین محمد و
علاء الدین محمد ابقاهم الله تعالی و اسعدهما فی الدارین، با ده هزار مرد
غوری همه مستعد حرب میرسند..."^(۲۱).

در جای دیگر نویسد: "ملک اسلام غیاث الحق والدین که پسر ملک
مغفور مبرور شمس لادولت والدین (کهن) طاب ثراه است و دیباجه این
تاریخ نامه بعد از حمد و نعمت بنام بزرگوار او ... مؤشخ و مزین است"
(۲۲).

جای دیگری می نویسد: "ملک اسلام غیاث الدین فرمود که پدر
مرحوم و مغفور من شمس الحق والدین مرا وصیت کرده است..."^(۲۳).

ازین اقوال سیفی بصراحت پدید می آید که ملک فخرالدین با غیاث
الدین برادر بود، و هر دو پسران ملک شمس الدین کهن بودند.
باوجودیکه لین پول در شجره نسب آل کرت هر دو را پسران ملک رکن
الدین (همان شمس الدین کهن) شمرده است، خطای آقای عباس اقبال
مورد شگفتی است؟

اینک بقرار تفصیل گذشته در نسب نامه آل کرت چنین تعدیل و
اصلاح بعمل باید آورد:
نوت:

اعدادیکه با هر یک نوشته شده سنوات وفاتست، و اولاد معزالدین
حسین از دول اسلامیه لین پول یادداشت شد.

چمن - ۲۸ ثور ۱۳۲۷ - عبدالحی حبیبی

(۲۱) تاریخ هرات: ص ۵۱۴.

(۲۲) تاریخ هرات: ص ۵۴۳.

(۲۳) تاریخ هرات: ص ۵۵۱.